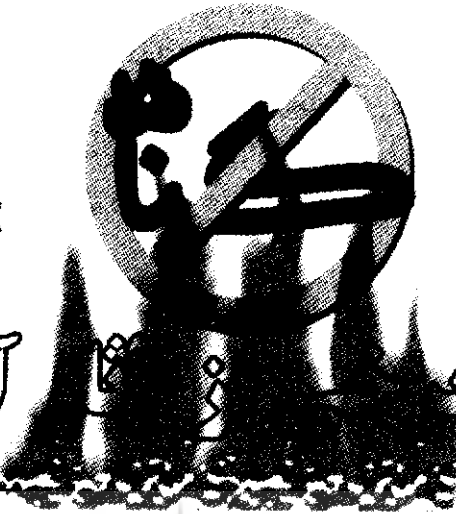




## و کلمات

محمد مهدی فجرى



### اشاره:

در شماره قبل، بحث از ماهیت گناه و آثار فردی آن به میان آمد و در ادامه آثار اجتماعی گناه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### آثار اجتماعی گناه

آنچه از قرآن و فرموده‌های معصومان علیهم‌السلام به ما رسیده، آن است که حتی آثار گناهان فردی، جامعه را نیز در برمی‌گیرد. استاد شهید مطهری رحمته‌الله در تبیین اثر گناه فرد بر جامعه می‌فرماید:

«اجتماع روی فرد اثر می‌گذارد و فرد روی اجتماع. واقعاً مجموعش

یک واحد است، خودش روح دارد، عمر دارد. این، یک مطلب عجیبی است که البته کسی که این را خوب استنباط کرده و پرورانده است، علامه طباطبایی است. ایشان در کمال وضوح از قرآن استنباط می‌کند که قرآن برای اجتماع، شخصیت قائل است. برای اجتماع عمر قائل است: **﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾**<sup>۱</sup>

۱. برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است و هنگامی که سرآمد آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند: اعراف / ۳۴.

در این دنیا قانون و قاعده علمی هم ایجاب می‌کند که اگر جناحی از اجتماع، آن قدر فاسد شد که توانست بلایی را به سوی اجتماع بکشد، این بلا شامل افراد دیگر هم می‌شود و سالم و ناسالم را با هم می‌گیرد. در این دنیا، تر و خشک با هم می‌سوزند، متنها از نظر آنها که به اصطلاح خشک‌اند، یعنی آماده سوختن هستند، عذاب الهی است و شاید در آن دنیا هم دنباله داشته باشد؛ ولی از نظر آنها که استحقاق نداشته‌اند، مصیبت و ابتلا است و در آن دنیا به آنها اجر داده می‌شود.<sup>۱</sup>

بنابر این، سخن کسانی که گناه را مربوط به خویش دانسته و از امر به معروف و نهی از منکر به خشم می‌آیند، خارج از منطقی است؛ چرا که عقل و منطقی حکم می‌کند آلودگی فرد، خواسته یا ناخواسته، جامعه را نیز آلوده می‌کند.

همچنین، برای اجتماع، بیماری و سلامت قائل است، برای اجتماع سعادت و شقاوت قائل است، برای اجتماع شرکت در مسئولیت قائل است.

گاهی افرادی می‌پرسند چرا اگر [اکثریت] یک قومی گناه کرده‌اند، اقلیت صالحی هم که در میان آن قوم است به عذاب آن قوم معذب می‌شوند؟ نمی‌دانند که افراد اجتماع، حکم اعضای یک پیکر را دارند. وقتی که در عضوی از یک پیکر سرطان پیدا بشود، اعضای دیگر نمی‌توانند بگویند چرا ما هم باید از بین برویم. به همان دلیل که شما با یکدیگر اتصال و هم‌ریشگی و پیوند دارید و به همان دلیل که از سعادت او بهره‌مند هستید، به همان دلیل از بدبختی او هم باید در اجتماع متضرر باشید. فقط آن دنیا است که دنیای جدایی است. در این دنیا افراد اجتماع واقعاً به یکدیگر متصل‌اند و واقعاً در ناخوشی و خوشی یکدیگر شریک‌اند و واقعاً در عذاب و سعادت یکدیگر شریک هستند.

۱. ر. ک: اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

در مردمی زنا پیدا نشود که آن را آشکار کنند؛ جز اینکه در ایشان طاعون و دردهایی که در گذشتگان آنها سابقه نداشته پدیدار شود و از پیمانہ و ترازو کم نگذارند، جز اینکه به قحطی و سختی مخارج زندگی و ستم سلطان گرفتار شوند، و از دادن زکات منع نکنند؛ جز اینکه آمدن باران آسمان بر آنها ممنوع شود و اگر به سبب چهار پایان نبود، هیچ باران بر آنها نیارد. و عهد و پیمان خدا و رسول خدا ﷺ را نشکنند مگر آنکه دشمنانشان بر آنها مسلط شوند و بخشی از آنچه در دست آنهاست، بگیرند و حکم به غیر آنچه خدا نازل کرده است نکنند مگر آنکه خداوند عزیز و جلیل، سختی و شدت را در بین آنها قرار دهد.»

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: «أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ سَنَةِ أَقَلِّ مَطَرًا مِنْ سَنَةِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ جَلُّ جَلَالِهِ إِذَا عَمِلَ قَوْمٌ بِالْمَعَاصِي صَرَفَ عَنْهُ مَا كَانَ قَدْرَ لَهُمْ مِنَ الْمَطَرِ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى غَيْرِهِمْ وَإِلَى الْفَيَافِي وَالْبِحَارِ وَالْجِبَالِ

برخی آثار اجتماعی نافرمانی خداوند عبارت‌اند از:

### ۱. خشکسالی و نباریدن باران

طبق روایات متعدد از ائمه

اطهار علیهم السلام یکی از کردارهایی که باعث نازل نشدن باران می‌شود، نپرداختن زکات است؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمود: «خُمْسٌ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهُنَّ فَتَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ لَمْ تَظْهَرِ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا وَلَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَشِدَّةِ الْمُتُونَةِ وَجَوْرِ السُّلْطَانِ وَ لَمْ يَمْنَعُوا الزُّكَاةَ إِلَّا مُنِعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَ لَوْ لَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمْطَرُوا وَ لَمْ يَنْقُصُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَذْوَهُمْ وَ أَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَ لَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ؛ پنج چیز است که اگر به آنها برخورد کردید از آنها به خدا پناه برید: هرگز



در این دنیا قانون و قاعده علمی هم ایجاب می‌کند که اگر جناحی از اجتماع، آن قدر فاسد شد که توانست بلایی را به سوی اجتماع بکشد، این بلا شامل افراد دیگر هم می‌شود و سالم و ناسالم را با هم می‌گیرد

در نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می‌خوانیم: «لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَيْهِ تَغْيِيرُ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلُ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ؛<sup>۱</sup> هیچ چیز مانند ظلم و ستم، موجب تغییر نعمت خداوند و تعجیل در فرود آمدن بلا و نعمتش نمی‌شود.»

است؛ چنان‌که در سوره انفال می‌خوانیم: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛<sup>۱</sup> این، برای آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند و خداوند، شنوا و داناست.»

در احادیث متعدّد، عواملی مانند: ظلم و گناه، سبب تغییر نعمتهای الهی به حساب آمده‌اند؛ چنان‌که بازگشت از گناه و انحراف و حرکت در مسیر حق، سبب سرازیر شدن انواع نعمتهای پروردگار است.<sup>۲</sup>

گناهان و ستمها، انسان را از لیاقت بهره‌وری از لطف خداوند دور می‌کند؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه بدان اشاره کرده است و در دعای کمیل می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعْمَ...»

۱. انفال/۵۳.

۲. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، محمد صادقی تهرانی، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۲، ص ۲۶۴.

۳. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دستی، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۴ ش، نامه ۵۳.

## ۴. تغییر سرنوشت انسان

خداوند متعال در سوره مبارکه رعد یکی از قوانین کلی و عمومی الهی را بیان می‌کند؛ چنان‌که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ «خداوند، سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه آنان، آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.»

آنچه در این آیه آمد، قانونی سرنوشت‌ساز و حرکت‌آفرین و هشداردهنده است. این قانون که یکی از پایه‌های اساسی جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در اسلام است، به ما می‌گوید مقدرات شما قبل از هر چیز و هر کس در دست خود شما است، و هرگونه دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود شما بازگشت می‌کند.

شانس، طالع، اقبال، تصادف، تأثیر اوضاع فلکی و مانند اینها هیچ‌کدام پایه و اساس ندارد. مهم آن است که ملتی خود بنخواهد سربلند، سرفراز،

پیروز و پیشرو باشد، و یا به عکس، خودش به ذلت و زیونی و شکست، تن در دهد؛ حتی لطف خداوند یا مجازات او، بی‌مقدمه، دامان هیچ ملتی را نخواهد گرفت؛ بلکه این اراده و خواست ملتها و تغییرات درونی آنهاست که ایشان را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد.

یکی از دستوره‌های دین مبین اسلام آن است که برای پایان دادن به بدبختیها و ناکامیها باید دست به انقلابی از درون بزنیم، یک انقلاب فکری و فرهنگی، یک انقلاب ایمانی و اخلاقی، و به هنگام گرفتاری در چنگال بدبختیها باید بی‌درنگ به جستجوی نقطه‌های ضعف خویشتن پردازیم، و آنها را با آب توبه و بازگشت به سوی حق، از دامان روح و جان خود بشویم تا در پرتو آن بتوانیم ناکامیها و شکستها را به پیروزی مبدل سازیم؛ نه اینکه این نقطه‌های ضعف که عوامل شکست

می‌خواهد نتیجه بعضی اعمالشان را به آنان بچشانند، شاید (به سوی حق) بازگردند.»

خلاصه آنکه بسیاری از مشکلات اجتماع ما ناشی از گناه و بی‌مبالاتیهایی است که در سالهای اخیر با وسایل جدید و البته با تبلیغات دشمنان در اختیار همگان، به‌ویژه جوانان قرار گرفته است.

بر مریبان و مبلغان است تا طرز استفاده صحیح و شایسته از این وسایل و ابزار را به همگان، به‌ویژه جوانان یادآور شوند، آنان را از عواقب گناهان شایع و جدید آگاه کنند، و راههای جلب توجه و عنایت پروردگار را یادآور شوند؛<sup>۳</sup> چرا که گسترش بدحجابی، دوستیهای پسران و دختران و نیز استفاده مخرب و فاسدکننده از وسایلی همچون: موبایل، اینترنت و... جامعه را به

است، در زیر پوششهای خودخواهی مکتوم بماند و به جستجوی عوامل شکست در بیرون جامعه بگردیم و خود در بیراهه‌ها سرگردان بمانیم.<sup>۱</sup>

#### ۵. فساد در جامعه

بدون شک، هر کار خلافی در وضع جامعه و از طریق آن در وضع افراد اثر می‌گذارد، و باعث نوعی فساد در سازمان اجتماعی می‌شود. گناه و کار خلاف و قانون‌شکنی، همانند یک غذای ناسالم و مسموم است که در سازمان بدن انسان چه بخواهیم و چه نخواهیم تأثیر نامطلوب خواهد گذارد، و انسان، گرفتار واکنش طبیعی آن می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛<sup>۲</sup> «فساد، در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا

۳. انتم اطهار طیبتکم عوامل بسیاری را برای جلب عنایت پروردگار و آمرزش گناهان ذکر فرموده‌اند که استغفار، توبه، صدقه دادن زیاد، توسل، نماز و عبادت، از جمله آنان است.

۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۴۵.

۲. روم/۴۱.

رسول ﷺ یافتیم که هرگاه زنا بعد از من آشکار شود، مرگ ناگهانی زیاد می‌شود. و هرگاه در وزن و کیل خیانت شود، خداوند مردم را به قحطی و خشکسالی مؤاخذه می‌کند. و هرگاه مردم زکات ندهند، زمین، برکات خود را از زراعت، میوه‌ها و معدنها منع می‌کند. و هرگاه حکم ظالمانه بدهند، مردم همدیگر را بر ستم و دشمنی کمک می‌کنند. و هرگاه نقض عهد کنند، خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط می‌کند. و هرگاه قطع رحم کنند، اموال آنها در دست دشمنان قرار می‌گیرد. و هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر نکنند، واز نیکان خاندان من پیروی نکنند، خداوند بدهایشان را بر آنها مسلط می‌سازد و نیکان هر چه دعا کنند مستجاب نمی‌شود.»

انحطاط خواهد کشاند و خداوند متعال، وعده نداده است این نعمت نظام اسلامی را برای همیشه حفظ کند؛ چنان‌که طبق روایات متعددی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برخی گناهان، باعث تسلط اشرار و ستمگران بر جامعه است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذَا ظَهَرَ الزُّنَا مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَإِذَا طُفِفَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا وَإِذَا جَارُوا فِي الْأَحْكَامِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَإِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛<sup>۱</sup> در کتاب حضرت